

برنامه، جهت و هویت مدرن لر:

پیش گفتار: جایگاه ایدئولوژی و علم:

جهانگیر محمودی:

پیش گفتار خویش را با این سخن آغاز می‌کنم که جایگاه ایدئولوژی و علم در پروسه‌ی برنامه، جهت و هویت مدرن لر چیست. بزرگی این گفتار در اینست که روشن می‌نماید ما لرها با بهره‌گیری از علم به یک ایدئولوژی هویت ساز نیاز داریم که برنامه و جهت خویش را بر پایه‌ی آن بسازیم. از این رو این کتاب به کار یک پژوهش علمی نپرداخته بلکه هدف آن روشن نمودن همه‌ی گوشه‌ها و ابعاد هویت و کیستی لره‌های ایران و برنامه و سوگیری بر پایه‌ی این هویت با روشی ایدئولوژیک است. به سخن دیگر این کتاب از جنس «هست‌ها» نیست. بلکه بیشتر از جنس «بایدها» است. که هرآینه از هست‌ها نیز بهره می‌جوید. از این رو نخست در پیش گفتار؛ به ویژگی‌های کار علمی و پژوهشی می‌پردازم. سپس با بیان ویژگی‌های ایدئولوژی و جایگاه آن در ساختن کیستی و هویت قومی و برنامه‌ها و سوگیری‌های قوم، گفتار را به پایان می‌برم.

ویژگی‌های کار علمی:

کار علمی چه ویژگی‌هایی دارد. و جدایی آن از ایدئولوژی در چیست؟ پیوسته این گمان در میان بوده که یک دانشمند و پژوهشگر راستین، هرگز رویکردی جانبدارانه همراه با ارزش‌های ایدئولوژیک و غیر ایدئولوژیک در کار علمی نخواهد داشت. او تنها دوستدار دانش جدا از هرگونه گرایش و ارزش است. در این باره نیکلاس رشر، باور دارد که دانشی جدا از هدف‌های ایدئولوژیک و همچنین ارزش‌های اخلاقی غیر ایدئولوژیک نداریم. به باور وی: این تصور عموماً مقبول که پژوهش علمی را امری بی‌روح، خشک و غیر انسانی معرفی می‌کند، به هیچ وجه به افراد بی‌اطلاع و بیگانه از علم محدود نشده، بلکه بسیاری از فصیح‌ترین سخنگویان خویش را در خود جامعه‌ی علمی یافته است؛ بویژه عالمان علم الاجتماع، مایلند حامیان بی‌پرده و صریح این دیدگاه باشند؛ که دانشمند خود را درگیر صدور احکام ارزشی نمی‌کند و علم، یعنی علم واقعی، فقط به آنچه هست می‌پردازد و اصلاً به آنچه باید باشد دل‌مشغولی ندارد.

هر گزارشی از نمونه‌های عینی که در آن طرز تلقی‌ها، ارزشها و ویژگی‌های شخصی دانشمندان کار ایشان را تحت تأثیر قرار داده یا بر یافته‌های ایشان اثر گذاشته است با این تقسیم دو گانه (dichotomy) تحقیر کننده کنار گذاشته می‌شود که چنین مسائلی شاید بر روانشناسی یا جامعه‌شناسی پژوهش علمی تأثیری داشته باشد، اما هیچ ربطی به منطق علم ندارد. این دیدگاه که علم «از ارزش آزاد» است، به قدری مقبولیت گسترده یافته که این عنوان شاخص و متمایز کننده، هر چند تا حدی مخوف را برای خود کسب کرده است: یعنی تزیبی طرفی علم نسبت به ارزشها... همان... به باور نیکلاس رشر شیوه‌ی یاد شده از نگاهی نادرست در منطق پژوهش علمی ریشه می‌گیرد. زیرا این گروه بسیار اندیشه‌ی خود را در گیر سویه‌های ذهنی و انتزاعی‌ روش پژوهش علمی کرده و فراموش کرده اند که پژوهش را انسان‌هایی که دارای گوشت و خون و احساس هستند، به سر انجام می‌رسانند.

ویژگی انسانی سبب می‌شود پژوهش گران آنچه از تحقیق به دست می‌آورند را با هنجارهایی ویژه همسوسازند. به باور وی ویژگی گره خوردن هنجارها و ارزش‌ها با کار پژوهش از غفلت و به چشم نیامدن آن ریشه می‌گیرد. پس هنگامی که برای نمونه دانشمندی لباس کارخویش را می‌پوشد و وارد آزمایشگاه می‌شود، ارزش‌ها و هنجارهای خویش را نمی‌تواند به کنار بگذارد. با این همه، سوای دیدگاه نیکلاس رشر، نگارنده بر این باور است که کار علمی از کار ایدئولوژیک جداست. برای نمونه یک پژوهشگر هرگز قصد ندارد که اثر ارزش‌ها، هنجارها و ایدئولوژی خویش را در پژوهش نمایان سازد. به عکس او گرایش شدیدی دارد که نشان دهد کاروی از هر سوی تهی از ارزش‌ها و ایدئولوژی است. البته این سخن از راستی دور است. لیک یک ایدئولوگ می‌کوشد تا با بهره‌گیری از پژوهش‌های علمی و منابع دیگر آشکار سازد که برای هدف یک گروه خاص، ایدئولوژی وی سودمندتر است.

از این رو کوشش وی بر این است که روشن نماید از چه پایه‌های علمی، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، جغرافیایی و دیگر پدیده‌ها باید بهره برد تا به هدف گروه نزدیک تر شویم. مخالفان ایدئولوژی همچون مارکس بر این باور بودند که ایدئولوژی از شعور دروغین انسان ریشه می‌گیرد. همان که ما «جهل مرکب» می‌گوییم. یعنی اینکه باور می‌کند دارای آگاهی است، لیک به سبب داشتن گونه‌ی ویژه‌ای از معیشت، واقعیت بر او وارونه جلوه کرده است. بنابراین میان «ایدئولوژی» و «علم راستین» جدایی است. دانش‌ها و آگاهی‌های راستین که همان «علم» (Science) است، دانش‌هایی هستند که واقعیت جهان را چنانکه هست بازگو می‌نمایند و مصون از اثر هر گونه معیشت اند. در دیدگاه مارکس «علم» با ارزش است.

لیک در برابر علم، ایدئولوژی است که وارونه‌نماست. بنابراین «علم» و «ایدئولوژی» هر دو پدیده‌ای معرفتی اند، که یکی معرفت حقیقی و دیگری معرفت فریبده و سراب گونه رابه‌نمایش می‌گذارد. چنین دیدگاهی ریشه در افزون

نگری و زیاده روی در نادیده گرفتن جایگاه پیوندهای خویشاوندی و همخونی در پیدایش باورها و ایدئولوژی هاست. در دیدگاه مارکس تنها عامل تولیدی و اقتصادی است که اثرزیربنایی را در رویدادها از جمله آگاهی‌های گذارد. اکنون ایدئولوژی چنانچه فیلسوفان و دانشمندان علوم اجتماعی می‌گویند همیشه معرفتی دروغین و فریبنده نیست. بلکه بسیار پیش می‌آید که بر حقیقت‌هایی استوار باشد. و در هیچ جایی امکان ندارد که ایدئولوژی در کار نباشد. دانیل بل، که «پایان ایدئولوژی‌ها» را نوشته بود، چندی پس از آن نوشت که سخن خویش را پس می‌گیرم. زیرا ایدئولوژی در همه‌ی کارهای انسان وجود دارد. به هر حال باورنگارنده اینست که پیوندهای خویشاوندی و همخونی جایگاه بسیار مهمتری در پیدایش ایدئولوژی‌ها دارد. پس راست و دروغ آن ریشه در این پدیده دارد. این دیدگاه به دیدگاه ابن خلدون نزدیک است.

واژه و اصطلاح ایدئولوژی:

واژه‌ی ایدئولوژی از دو کلمه‌ی لاتینی ایده و لوگوس به وجود آمده و معنای آن «اندیشه‌شناسی» است. درباره‌ی معنای اصطلاحی ایدئولوژی دانیل بل ۱۹۸۸. می‌نویسد: ایدئولوژی درباره جنبشهای اجتماعی بحث می‌کند که می‌کوشند انسانها را برای تحقق اعتقادات [خاص] بسیج کنند و در این آمیختگی فرمولهای سیاسی و شور و هیجان وجود دارد. ایدئولوژی یک ایمان و مجموعه‌ای از یقینهای اخلاقی فراهم می‌سازد... همان.. زرهانی نیز درباره‌ی ایدئولوژی می‌نویسد: این سیستم‌های اندیشه نشان داده‌اند که دارای قدرت و نفوذ بسیار زیاد و در برخی موارد نیز خطرناک هستند. ایدئولوژی‌ها در تاریخ قرن بیستم نقش اساسی دارند. زرهانی می‌افزاید:... ایدئولوژی به مردم نشان می‌دهد، روابط انسان‌ها چگونه است، چگونه ممکن است باشد و چگونه باید باشد. این چگونه باید بودن موتور محرک انقلاب‌ها و تحولات مهم قرن بیستم بوده است... همان... ایدئولوژی در چارچوب پدیده‌هایی چون دین، نژاد و ملیت به وجود می‌آید و گاه درباره‌ی رفتار حکومت و یا گونه‌ی رفتار زن و مرد در اجتماع است. همچنین محیط زیست، پیکار با نابرابری و یا با مواد هسته‌ای و پدیده‌هایی دیگری می‌توانند ایدئولوژیک باشند.

ایدئولوژی‌گاه سودمند و کارساز و گاه بسیار زیانبار است. از نمونه‌های سودمند آن می‌توان ایدئولوژی‌های اعتدال‌گرای دینی را نام برد. چنانچه در جمهوری اسلامی نمونه‌هایی از آن به چشم می‌خورد. در سوی مقابل ایدئولوژی‌های سطحی و غیرمنطقی و تندروی دینی می‌توانند مانند فاشیسم عمل نمایند. نمونه‌های آن القاعده، طالبان و داعش است. در عصر کنونی؛ نازیسم، مارکسیسم و فاشیسم جنایت‌های بزرگی آفریدند و جنگ‌های خانمان سوز به پا کردند و هر یک دارای ایدئولوژی ویژه‌ای بودند.

لیک ایدئولوژی های سازنده و سودمند نیز وجود دارند. ایدئولوژی های موازنه ی منفی و حقوق بشری چون کوشش های ماندلا، مصدق و گاندی و مانند اینها از نمونه های سودمند و سازنده است. دانیل بل در نوشته ی زیر می کوشد تا به روشن نمودن همه سویه ی ایدئولوژی پردازد. او برای ایدئولوژی چهار ویژگی رامی پذیرد....

۱. توضیح و تبیین: یک ایدئولوژی توضیح می دهد چرا شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کنونی شکل گرفته اند؟ چرا جنگ ها شکل می گیرند؟ چرا ظلم و ستم وجود دارد؟ چرا برخی انسان ها فقیر و برخی ثروتمند هستند؟ برای این گونه پرسش ها، ایدئولوژی پاسخ هایی فراهم می آورد. معمولاً این پاسخ ها ساده و سراسر است هستند به گونه ای که اکثر مردم معمولی بتوانند آن ها را درک نمایند و به سمت پذیرش ایدئولوژی حرکت کنند.

۲. ارزیابی: کارکرد دوم یک ایدئولوژی فراهم آوردن استاندارد هایی برای ارزیابی شرایط فعلی یک جامعه می باشد. یک ایدئولوژی با این گونه سوال ها هم سروکار دارد. آیا تمام جنگ ها بد هستند و باید از آن ها اجتناب کرد و یا برخی از آن ها اخلاقاً توجیه پذیر هستند؟ آیا توزیع مساوی ثروت در جامعه امری مطلوب است و یا خیر؟ ایدئولوژی برای پیروان خود باید پاسخ های حاوی معیارهای لازم برای پاسخ گویی به سؤالات فوق فراهم آورد. یک فرد که علاقه مند به یک ایدئولوژی خاص است ممکن است به یک سؤال بالا منطبق با معیارهای ارائه شده توسط ایدئولوژی خود پاسخ مثبت بدهد اما در مقابل، پیرو ایدئولوژی دیگر با معیار دیگری پاسخ منفی به همان پرسش بدهد.

۳. جهت دهی و گرایش: ایدئولوژی ها هم چنین برای پیروان خود حس هویت ایجاد کرده و به مسیر زندگی و کنش آن ها جهت می دهند. حس هویت او از طریق ایدئولوژی به نژاد، ملت، دین، طبقه و ... مرتبط می شود و نسبت فرد را با جهان بیرون تعیین می کند. ایدئولوژی مانند یک قطب نما به فرد کمک می کند جایگاه خود را در جهان پیچیده امروز درک کند. برای مثال مارکسیست ها با تعریف طبقاتی خود به کارگر یا بورژوا به تعریف او در اجتماع کمک می کردند.

۴. برنامه سیاسی: نهایتاً یک ایدئولوژی با بیان یک برنامه کنش سیاسی و اجتماعی خود را برای حضور فعال در آینده آماده می کند. ایدئولوژی ها دارای اهداف روشن سیاسی در تغییر و یا حفظ نظم سیاسی فعلی هستند و از پیروان خود می خواهند که بر مبنای تبیین ها، ارزیابی ها و هویت ایدئولوژیک خود طبق برنامه سیاسی ایدئولوژی به کنش پردازند. این برنامه سیاسی می تواند مسائلی مانند شرکت در انتخابات، انقلاب، جنگ و حتی در تروریسم باشد.... همان... با توجه به چهار ویژگی در ایدئولوژی، باید برنامه، جهت و هویت مدرن لرتواند نخست به تبیین درستی از شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خویش دست یابد. وضعیت و موقعیت همگانی خویش را از نگاه فقر

و ثروت روشن کند. شناخت درستی از ستم‌هایی که لرگرفتار آنست داشته باشد. برای نمونه بداند که بخش بزرگی از این ستم‌ها درستی، پراکندگی، بی‌برنامه‌گی و ستیزه‌ی لرها با خویشاوند نهفته است. نبود سازمان و پیوستگی و همچنین گسستگی هرچه بیشتر در لرها بنیاد بزرگ ستم در قوم لر است. در زمینه‌ی ارزیابی، لر باید بداند که استانداردهای او برای بررسی و ارزیابی از خویشان قومی و دیگران چیست؟ چه ارزش‌هایی را باید پاس بدارد و ضدا ارزش‌های او کدام است؟ تا بتواند بر پایه‌ی آن به ارزیابی رویدادها بپردازد. همچنین در جهت دهی و گرایش باید نخست هویت و کیستی خویش را بشناسد، تا بر پایه‌ی آن جهت درست از نادرست را شناسایی نماید. بی‌گمان ما، در این سوگیری‌ها از راه نادرست بسیار رفته ایم. پس باید با شناخت کیستی و هویت راستین خویش بکوشیم تا جهت و سویه‌ی درست خویش را بشناسیم.

و سرانجام باید بدانیم برنامه‌ی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی قوم ما برای رسیدن به هدف‌های لر چیست؟ و چگونه باید انگیزه‌های بایسته را در قوم برای انجام این برنامه‌ها به وجود آورد. یعنی باید در همه سو «بایدها» و «نبایدها» قومیت لر شناخته شود. تا این ویژگی‌های چهارگانه را تحقق بخشیم. روشن است که ویژگی‌های چهارگانه‌ی بالا هیچ‌یک در دانش علمی به گونه‌ای که امروز می‌شناسیم وجود ندارند. بنابراین بزرگی و بایستگی ایدئولوژی که این مهم را به دوش گرفته، برای ما روشن می‌شود. باید دانست که کارکرد علم (Science) در اینست که حقیقت و واقعیت را به ما بشناساند.

تا از ورای آن بتوانیم به ویژگی‌های چهارگانه‌ی بالا در کار ایدئولوژیک دست یابیم. ضرورت پیوند ایدئولوژی و علم با رهبری ایدئولوژی به سوی هدف‌ها برای پیشبرد آن روشن است. در این باره دکتر محمود نیکفر می‌نویسد: ... کار ایدئولوژی تسهیل جهش از واقعیت به ایده و از ایده به واقعیت است. رفت و برگشت میان ایده و واقعیت همیشه برقرار است. ایدئولوژی به مثابه سازوکاری تصورشدنی است که این رفت و برگشت را نظام‌مندانه هدایت می‌کند، در حالی که بدان صورتی خودکار داده است... همان... ما علم را می‌خواهیم که واقعیت‌ها را به ما نشان دهد. تا رفت و آمد میان ایدئولوژی و واقعیت هرچه آسان‌تر انجام شود. پس هدف بنیادی نگارنده در این کتاب نگارش یک پژوهش علمی نیست. زیرا که با این روش هدف قابل دستیابی نخواهد بود. مانیاز فراوان به ایدئولوژی داریم، از این رو هدف کتاب دستیابی به یک ایدئولوژی برای شناخت هرچه بهتر برنامه، جهت و هویت مدرن لر است. که در این کار از دستاوردهای دانش روز بهره‌ی بسیار خواهیم برد.

پیشامدرن، مدرن و پسامدرن:

این پرسش امکان دارد در میان آید که چرا در دوره ی پسامدرن، ما باید در اندیشه ی مدرن کردن برنامه، جهت و هویت لرباشیم. پاسخ آن روشن است، زیرا شرایط و اوضاع قوم لر نشان می دهد که در بعد های فراوانی هنوز دچار شیوه ها و روش های پیشامدرنی است. با این گفته چگونه امکان دارد که هنوز پروسه ی تاریخی را طی نکرده و هنوز گرفتار پیشامدرنی و پیشامدرنیسم هستیم. روی به سوی پسامدرن برویم. این گونه ای آلوده بودن ذهن به رسوبات ایده آلیسم و اثر گرفتن از ایده ها و تحلیل های غربی است که بیشتر برای درمان گرفتاری های جامعه ی خویش به میان آورده اند. آنها کمتر از دو قرن نیست که مدرن شده اند. ولی ما هنوز اندر خم یک کوچه ایم. لیک بهره گیری از شرایط پسامدرن در جای خود نیز سودمند است. مهم ساختن یک ایدئولوژی کاراست. ایدئولوژی که از دروغ و فریب سرچشمه نگیرد. اما تکه های هویت رامانند یک پازل به خوبی چسبانده باشد.

جایگاه دین در ایدئولوژی:

نگرش درست و سازنده وبی هر دروغی از مذهب شیعه می تواند ما را در رسیدن به هدف های ایدئولوژیک قومی راهبر باشد. گرچه نگرش نادرست از اسلام ویرانی های بسیار نگران کننده ای به وجود آورده است. برای نمونه القاعده، داعش، طالبان و دیگر گروه ها از نگرش ویرانگر منفی و دروغین از اسلام بهره گرفته اند. در حالیکه اسلام دین صلح و رحمت است. از سوی دیگر ساختن هیچ هویت و ایدئولوژی ملی و قومیتی بی آنکه دین رابه یاری بگیریم ممکن نیست. در این باره دکتر محمود نیکفر می نویسد:... در عصر جدید ایدئولوژی ملی با تکیه بر ایدئولوژی دینی شکل می گیرد... نشست و برخاست و از هم آموزی ایدئولوژی دینی و ایدئولوژی ملی از آن روست که هر دو، کیشِ هویت اند. در عصر جدید همه به نوعی "ملی. مذهبی" هستند، حتی اکثر سوسیالیستها نیز چنین اند. پروژه های سیاسی روشنفکری غالباً پروژه های "ملی. مذهبی" اند. همه ی ایدئولوژی های سیاسی رایج روایتها و انشعابهایی هستند از ایدئولوژی ملی. مذهبی... همان... بنابراین اگر ایدئولوژی برای ساختن هویت و برنامه جهت گیری لر اهمیت بسزایی دارد. دین نیز باید در این سازه وارد شود. از سوی دیگر مردم ایران به ویژه قومیت لراز پیروان بی نظیر شیعه ی دوازده امامی هستند. بی گمان اینکه بدانند آنچه می کنند مغایرتی با ایمان دینی آنان ندارد بلکه تشویق کننده نیز هست، برای مردم بسیار اهمیت دارد. همچنین نظام ما نظامی اسلامی است. بنابراین بیان هر ایدئولوژی با تکیه بردین و ایمان می تواند پیروزی ما را در این روند شتاب بخشد. از این رو در گفتارهای این کتاب از دیدگاه های دینی نیز سود خواهیم برد.

هدف ما از نگارش این کتاب:

درباره ی برنامه، جهت و هویت مدرن لر، گفتارهایی به پیشگاه خوانندگان فرهیخته و نخبه های قومیت تقدیم خواهیم نمود. امیدوارم گفتارهایی نغز و کاری پرمغز باشد. این نوشتار ها از این رو به میان آمده اند که کیستی یا هویت و برنامه جهت در میان ما سخت تاریک بوده که پی آمد آن سستی و ناکارایی و در جازدن و روی به پشت رفتن است. بدترین که نیروی رزم آوری و اهرمن کشی لراکنون به پراکندگی و ستیز با خویشان و خویشان در کارزار است. پیوستگی و آراستگی در میان نیست و سرمشق همگان پراکندگی و از خویشان بریدن است. بنابراین از فرهیختگان و نخبگان چشم داریم در این پیوند کوتاهی نورزیده، گفتارها و نوشتارهایی در سویه جهت گسترش آگاهی در گرداگرد کیستی و جهت و برنامه برای همه ی لرها به وجود آورند. سخن ما نیز روی به سوی همه ی لرها دارد. لرهایی چون بختیاری بهمنی، لک، لربوشهر، کهگیلویه و بویر احمد، لرستان، فارس، دشمن زیاری، استان مرکزی، همدان و دیگران است. چنانچه در سطرهای بالا آورده شد باید برنامه و جهت و هویت مدرن همه ی لرها روشن شود. باید از پراکندگی و ستیز لرها با یکدیگر دوری گزیده شود و جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک لر تعیین گردد. و این هدف کتاب است. در پایان از همه ی خوانندگان درخواست می شود نگارنده را از نقد و هدایت محروم نسازند.

والسلام.

جهانگیر محمودی

بهره ی تربیتی:

ما برای ساختن هویت، برنامه و جهت مدرن لر به درست کردن یک ایوئولوژی و تکه چسبانی های راستین هویت نیاز داریم.

منابع:

۱. نیکلاس رشر.

۲. دانیل بل.

۳. زرهانی.

۴. محمود نیکفر.